

Jurisprudential Analysis of the Rulings on Air Pollution and Its Impact on Amending the Clean Air Law

Salman Bahjati Ardakani

1. Assistant Professor, Department of Human Rights and Environmental Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, m.ghaemi313@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article Article history: Received 2024/04/14 Accepted 2024/09/03 Keywords: <i>Air pollution,</i> <i>Clean Air Law,</i> <i>liability for air pollution,</i> <i>prohibition of air</i> <i>pollution,</i> <i>ruling on air pollution</i>	Air pollution disrupts public health, accelerates mortality, and damages agriculture, livestock, and property. The occurrence of such harms raises the question: What is the jurisprudential ruling on air pollution, and how does it influence legal regulations? This research employs an ijtihādī methodology to address this issue. The significance of this inquiry lies in its potential to delineate the path for executive bodies in environmental governance, particularly concerning air pollution. In examining the jurisprudential ruling on air pollution, a juristic verdict affirming its religious prohibition (ḥurmah) exists, with reference to the prohibition of introducing poison (samm) into residential areas serving as one of its evidential bases. Additionally, the compensatory liability (ḍamān) as a waḍ'ī (declaratory) ruling can be established through reliance on the principles of "no harm" (lā ḍarar) and "causation of loss". Since multiple factors typically contribute to air pollution and its resultant damages, the proportionate liability of each polluting agent can be determined by referencing jurists' opinions on shared liability. The derived jurisprudential rulings necessitate, from legal and legislative perspectives, two outcomes: first, the prohibition of air pollution and its criminalization in law; second, the imposition of civil and criminal liability for air pollution. The primary legal text addressing air pollution is the Clean Air Law; however, this law does not address the liability for various forms of air pollution or the resultant responsibilities. Only Clause 2 of Article 11 of this law mentions the obligation to compensate damages caused by specific sources of pollution. This study concludes that the following provisions should be added to the law: "the criminality of air pollution," "the necessity of compensating air pollution damages," and "the liability of each contributing polluting agent." Furthermore, it is proposed that in cases where financial or bodily harm arises from air pollution but the liable party or parties cannot be identified due to legal challenges, compensation and blood money should be paid from air pollution fines.

Cite this article: Salman Bahjati Ardakani (2024). Jurisprudential Analysis of the Rulings on Air Pollution and Its Impact on Amending the Clean Air Law. *Religion and Law*, 45 (12), 139-164.



© Salman Bahjati Ardakani.

Publisher: Islamic Research Center of Parliament of I.R.IRAN. <https://doi.org/10.225/qjrl.2025.361.1042>

تحلیل فقهی احکام آلاینده‌گی هوا و تأثیر آن در اصلاح قانون هوای پاک

سلمان بهجتی اردکانی

دانش‌آموخته سطح ۴ فقه و مدیر کارگروه فقه و حقوق محیط زیست در مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، قم، ایران،
salmanbahjati@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲	آلودگی هوا موجب اخلال در سلامتی، تسریع در مرگ و صدمه به کشاورزی، دامپروری و اموال شده است. بروز این نوع صدمات، موجب طرح این مسئله می‌شود که حکم فقهی آلاینده‌گی هوا چیست و چه تأثیری بر قوانین دارد؟ پژوهش حاضر با روش اجتهادی در صدد پاسخ به این مسئله است. اهمیت مسئله مزبور از این جهت است که پاسخ به آن، مسیر پیش روی دستگاه‌های اجرایی را در حکمرانی محیط‌زیست از منظر آلودگی هوا ترسیم می‌کند. در بررسی فقهی حکم تکلیفی آلاینده‌گی هوا، فتوا به حرمت شرعی آن وجود دارد و استناد به حرمت القای سم در محل‌های سکونت مردم می‌تواند به‌عنوان یکی از مستندات حکم مطرح شود. همچنین حکم وضعی ضمان، با تمسک به قواعد لاضرر و اتلاف، قابل اثبات است. از آنجاکه به طور معمول، اسباب متعدد در آلودگی هوا و صدمات ناشی از آن نقش دارند، می‌توان با استناد به نظر فقها در موضوع تعدد اسباب ضمان، سهم هر یک از اسباب آلودگی هوا را مشخص کرد. احکام فقهی حاصل شده از دید حقوقی و قانونی مستلزم این هستند که از یک سو، حرمت آلاینده‌گی هوا، ممنوعیت و جرم‌نگاری آن در قانون را در پی داشته باشد؛ و از طرف دیگر، ضمان آلاینده‌گی هوا، مسئولیت مدنی و کیفری در بحث آلاینده‌گی هوا را به میان می‌آورد. متن قانونی ناظر به آلودگی هوا، قانون هوای پاک است؛ اما ضمان انواع آلاینده‌گی هوا و مسئولیت ناشی از آن در این قانون مورد توجه واقع نشده است. در تبصره ۲ از ماده ۱۱ قانون مزبور، تنها لزوم جبران خسارت برخی از اسباب آلودگی هوا آورده شده است. از نتایج تحقیق حاضر این است که «جرم بودن آلاینده‌گی هوا» و «ضرورت جبران خسارات آلاینده‌گی هوا» و «مسئولیت هر یک از عوامل آلاینده دخیل در ایجاد صدمات» به این قانون اضافه شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود در مواردی که خسارت مالی یا جانی از آلاینده‌گی هوا ایجاد شده اما ضامن یا ضامنین به‌خاطر چالش‌های حقوقی قابل شناسایی نیستند، خسارات و دیه آنها از محل جریمه‌های آلاینده‌گی هوا پرداخت شود. واژگان کلیدی: آلودگی هوا، حرمت آلاینده‌گی هوا، ضمان آلاینده‌گی هوا، حکم آلاینده‌گی هوا، قانون هوای پاک.

استناد: سلمان بهجتی اردکانی (۱۴۰۳). تحلیل فقهی احکام آلاینده‌گی هوا و تأثیر آن در اصلاح قانون هوای پاک. دین و قانون، ۴۵

(۱۲)، ۱۳۹-۱۶۴



© نویسنده: سلمان بهجتی اردکانی

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران.

<https://doi.org/10.225/qjrl.2025.361.1042>

بیان مسأله

توسعه تولید، صنعت و معدن، پیامد منفی آلودگی هوا را نیز به دنبال داشته است. این مشکل، از یک طرف، باعث تهدید بهداشت و سلامت شده و از طرف دیگر، صدمه به اموال را در پی داشته است که به طور عمده در عرصه‌های کشاورزی و دامداری دیده می‌شود. همچنین از آثار روانی تداوم مشکل آلودگی هوا نیز نباید غفلت داشت؛ زیرا موجب واگرایی سرمایه‌های اجتماعی از حاکمیت می‌شود. تحقیق فقهی در این زمینه، مقدمه قانون‌گذاری در این حوزه و پیشگیری از آلودگی هواست. مسئله تحقیق حاضر این است که حکم آلودگی هوا از دید فقهی چیست؟ در دانش فقه دو دسته احکام تکلیفی و وضعی مطرح می‌شوند؛ لذا مسئله مذکور دو شاخه دارد: ۱. حکم تکلیفی آلودگی هوا چیست؟ ۲. آیا آلودگی هوا موجب حکم وضعی ضمان می‌شود؟ درباره سؤال اول باید گفت: آلودگی‌های هوایی که نظیر «إلقاء سم» عمل می‌کنند؛ یعنی منجر به اتلاف یا اضرار می‌شوند، مورد نهی شارع هستند؛ اعم از اینکه آلودگی هوا به طور مستقیم و یا غیرمستقیم موجب زیان انسان‌ها شود. نهی شارع، زمینه جرم‌انگاری آلودگی هوا در قانون را فراهم کرده است. درباره سؤال دوم باید گفت: ادله عمومی ضمان، قرینه هستند بر اینکه نهی شارع از این نوع آلودگی‌ها، نوعی بیان موضوع برای قواعد عامه ضمان است؛ یعنی منظور شارع از این نوع نهی‌ها، بیش از بیان حرمت تکلیفی آلودگی است و شامل ضمان هم می‌شود. قاعده فقهیه اتلاف، مستلزم ضمان صدمات ناشی از آلودگی هوا است و قاعده لاضرر نیز بر اساس مبنای مقبول، مستلزم ضمان در ضررهای ناشی از آلودگی هواست. بنا بر دیدگاه پذیرفته شده در این مقاله، همه اسباب متعارف و دخیل در آلودگی هوا، ضامن خسارات و ضررهای آلودگی هوا هستند؛ درحالی‌که قانون هوای پاک، تنها جبران خسارات برخی از انواع آلودگی هوا را الزام کرده است.

روش تحقیق

در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در داده‌پردازی از روش اجتهادی مألوف در فقه جواهری بهره گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

درباره مسئله آلودگی هوا در فقه، یک رساله سطح ۴ با عنوان «بررسی ضمان ناشی از آلودگی هوا» توسط نگارنده این مقاله و با راهنمایی حجت الاسلام محمدعلی سرافراز و مشاوره مرحوم حجت الاسلام اکبر ترابی شهرضایی در سال ۱۳۹۷ در حوزه علمیه قم دفاع شده است. در سال ۱۳۹۹ رساله مذکور با اضافات و ویراستاری تحت عنوان «ضمان آلودگی هوا از منظر فقه امامیه» در قالب کتاب چاپ شده است. اهم مطالب موجود در کتاب مذکور با این وصف که پیشینه مقاله حاضر محسوب شوند عبارتند از: مفهوم شناسی و دسته‌بندی آلودگی‌های هوایی، خسارات آلودگی هوا، موجبات ثبوت ضمان، تعدد اسباب ضمان، مستندات ضمان آلودگی هوا.

اثر علمی دیگری که مستقلاً درباره آلودگی هوا از منظر فقهی بحث کرده باشد یافت نشد. مزیت این تحقیق نسبت به پیشینه مذکور دو چیز است: الف. تحلیل فقهی هر دو حکم تکلیفی و وضعی آلودگی هوا در قالب یک اثر مستقل انجام شده ب. نتایج تحقیق در اصلاح قانون هوای پاک به کار گرفته شده.

انواع آلودگی هوا و مفاهیم مرتبط

فهرست آلاینده‌های هوا بسیار گسترده و متنوع است؛ ولی از میان این آلاینده‌ها شش آلاینده به‌عنوان آلاینده‌های اصلی و معیار شناخته می‌شوند. این شش آلاینده در محیط‌های شهری و صنعتی دارای غلظت بالایی هستند و به‌عنوان معیاری برای سنجش کیفیت هوای یک منطقه به‌شمار می‌آیند. آلاینده‌های اصلی شامل ذرات معلق (PM_{10} و $PM_{2.5}$)، مونوکسید کربن (CO)، دی‌اکسید نیتروژن (NO_2)، دی‌اکسید گوگرد (SO_2)، ازن (O_3) و سرب (Pb) می‌باشد.

در جدول (۱) لیست کاملی از آلاینده‌های اولیه، منابع انتشار طبیعی و انسان‌ساخت آن‌ها و همچنین اثرات مضر بر سلامتی انسان‌ها نشان داده شده است.

جدول (۱) آلاینده‌های اولیه و منابع انتشار آن‌ها و اثرات مضر سلامتی بر انسان

آلاینده	منابع انتشار طبیعی	منابع انتشار انسان‌ساخت	اثرات بر سلامتی انسان
مونوکسید کربن CO	فوران‌های آتشفشانی، آتش‌سوزی جنگل، واکنش‌های فتوشیمیایی در تروپوسفر، مواد آلی در حال پوسیدگی	اگزوز وسایل نقلیه موتوری، تأسیسات تولید برق و سایر فرایندهای احتراق ناقص.	توانایی هموگلوبین برای انتقال اکسیژن به سلول‌های بدن را مسدود می‌کند. غلظت‌های متوسط ممکن است منجر به آنژین، اختلال در بینایی و کاهش عملکرد مغز شود.
دی‌اکسید نیتروژن NO ₂	طوفان‌های رعدوبرق و فرایندهای فروپاشی بیولوژیکی.	اساساً ناشی از احتراق سوخت فسیلی در تأسیسات برقی، عملیات در دمای بالا و عملکرد اگزوز وسایل نقلیه موتوری	تحریک چشم، پوست و مجاری تنفسی، ادم ریوی، برونشیت، برونشولیت و آمفیزم در سطوح متوسط تا زیاد.
دی‌اکسید گوگرد SO ₂	فرایندهای فروپاشی بیولوژیکی، فوران‌های آتشفشانی.	سوزاندن سوخت حاوی گوگرد (به‌عنوان مثال: زغال‌سنگ و نفت) و در حین ذوب فلزات	بیماری‌های تنفسی، تغییرات در سیستم دفاعی ریه‌ها و تشدید بیماری قلبی یا ریوی موجود در جمعیت‌های مستعد

	و سایر فرایندهای صنعتی		
ذرات معلق PM	گرد، اسپورهای باکتریایی و قارچی، گردوغبار، خاکستر دوده	تولید برق، فرایندهای صنعتی، احتراق سوخت‌های فسیلی، دفع زباله	کاهش عملکرد ریه، تحریک مجاری، آسم تجمعی و مشکلات قلبی. ذرات کوچک بیشترین خطر را دارند.
ترکیبات آلی فرار VOCs	درختان و گیاهان دیگر هیدروکربن منتشر می‌کنند.	استفاده از حلال، آگروز وسایل نقلیه، فرایندهای صنعتی.	سوزش چشم، بینی و گلو، سردرد، ازدست‌دادن هماهنگی، آسیب به کبد، کلیه و سیستم عصبی مرکزی. برخی نیز منجر به سرطان در انسان می‌شوند.

لازم به ذکر است که رابطه بین غلظت آلاینده در منبع انتشار و غلظت در جو به‌طورکلی با استفاده از مدل‌های انتقال، پذیرنده یا ترکیبی که مدل‌های انتقال و پذیرنده را ادغام می‌کنند؛ تعیین می‌شود. مدل‌های انتقال از سیاهه انتشار همراه با نمایش‌های ریاضی سرعت و جهت باد برای تخمین غلظت آلاینده‌ها در زمان و مکان مختلف استفاده می‌کنند. مدل‌های پذیرنده از اندازه‌گیری آلاینده‌ها در یک مکان مشخص یا از اندازه‌گیری‌های مواجهه شخصی برای توضیح منابع آلاینده استفاده می‌کنند. در مکان‌ها یا سناریوهایی که مدل‌های انتقال و پذیرنده توسعه نیافته‌اند، استفاده از سیاهه‌های انتشار و بخش‌های ورودی خاص منبع می‌تواند برآوردهای معقولی از مواجهه و منابع مواجهه را ارائه دهد.

حکم تکلیفی آلاینده‌گی هوا

از آنجاکه اقسام زیادی از آلودگی‌های هوایی، اثر سم دارند، می‌توان از حدیث ناهی از کاربرد سم کمک گرفت.

حدیث نهی از کاربرد سم

۱- «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ». (کلینی، ج ۵، ص ۲۸) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ نهی فرمود از اینکه در بلاد مشرکین سم ریخته شود.

مشهور قدما و سایر فقها با تمسک به همین حدیث، فتوا داده‌اند؛ لذا نیازی به بررسی سند حدیث نیست. فقها با اینکه دو فتوای حرمت و کراهت داشته‌اند؛ اما مستند فتوای همگی، همین حدیث است. شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۳)، علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۷۰؛ همو، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۸۶؛ همو، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۸۷)، شهید در لمعه (عاملی، ۱۴۱۰، ص ۸۲) شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۹۲) استفاده از سم را در صحنه کارزار (قتال) مکروه شمرده‌اند. ابن زهره (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۱)، ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷)، قطب الدین کیدری (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۱۸۹)، ابن سعید حلی (حلی، ۱۴۰۵، ص ۲۳۶)، محقق ثانی (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۵)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۷)، آقا ضیاء (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۴)، محقق خویی (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۳) و برخی معاصرین (تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۸۳؛ بهجت، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۸۰) استفاده از سم را در صحنه کارزار (قتال) حرام دانسته‌اند.

معنای «سم»

«سم» یک واژه کلیدی در بحث است؛ زیرا اگر بر مصادیقی از آلودگی هوا مطابقت کند، به این معنا است که شارع از ایجاد آن نهی کرده است.

ماده «س م م» یک مرتبه به شکل «سم» و سه مرتبه به صورت «سموم» در قرآن آمده است. (طور/۲۷؛ حجر/۲۷؛ واقعه/۴۲) برای واژه «سم» سه معنای «سوراخ سوزن»،

«سورخ» و «ماده کشنده» بیان شده. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۰۶) در آیه «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» (اعراف/۴۰)، «سَمِّ» به معنای «سورخ» است. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۲۴) به نظر می‌رسد که راغب (ره) در مفردات برای معنا کردن «سم» دو معنای «سورخ» و «ماده کشنده» را با یکدیگر تلفیق کرده و می‌نویسد: «السَّمُّ القَاتِلُ، و هو مصدر في معنى الفاعل، فإنه بلطف تأثيره يدخل بواطن البدن» (همان)؛ «سم ماده کشنده است و سم مصدر با معنای فاعلی است؛ بنابراین به خاطر تأثیرش به داخل بدن نفوذ می‌کند.» آنچه مسموم می‌کند، اما نمی‌کشد مثل زهر زنبور و عقرب را «سَوَامٌ» می‌نامند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۰۲)

در مجموع درمی‌یابیم که «سم» در اینجا «ماده کشنده نافذ» است؛ به گونه‌ای که وصف نفوذگری آن، در کشنده بودنش دخالت دارد.

تطبیق «سم» بر آلودگی هوا

طرح مسئله: خوراندن یا نوشاندن ماده آغشته به سم گاهی به عنوان یک ابزار جنگی برای نابودی خصم به کار می‌رفته است. سمومی که در گذشته استفاده می‌شده، قابل انتشار در هوا نبوده است؛ بنابراین، اولین پرسش این است که آیا بین «سم» که در روایت وارد شده و «سم» که امروزه در آلودگی‌های هوایی وجود دارد، شباهتی هست؟ اگر شباهتی وجود دارد آیا می‌توان تعبیر «سم» را بر آلودگی هوا تطبیق کرد؟

جواب مسئله

۱- **کشندگی سم:** وصف «کشندگی»، مقوم مفهوم «سم» است؛ لذا نمی‌توان آن را بر هر نوع آلودگی هوا تطبیق کرد؛ چون هرچند بعضی انواع آلودگی‌های هوایی کشنده‌اند، بعضی انواع آلودگی‌ها مثل بوی بد، چنین خصوصیتی ندارند. پس نهی از «إلقاء سم»، برابر با نهی از بعضی آلودگی‌ها با خصوصیت کشندگی است؛ گرچه غلظت‌های پایین از سم، نابودکننده نباشد و تنها باعث مریضی بشود.

۲- **مطابقت سم با بعضی آلودگی‌ها با اولویت:** انواعی از آلاینده‌ها مثل «آلودگی رادیواکتیو» یا «آلودگی‌های محدود در فضای بسته» نه تنها آثار «سم» را دارند؛ بلکه آلودگی

هوای ناشی از بمب‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی به مراتب مُهلک‌تر از سمی است که در زمان صدور روایت از آن یاد شده؛ بنابراین قطعاً نهی از «إلقاء سم» شامل این گونه آلودگی‌ها می‌شود.

۳- شواهدی بر تطبیق سم بر بعضی آلودگی‌ها: گرچه در تطبیق «إلقاء سم» بر اقسامی از آلودگی‌های هوایی تردیدی وجود ندارد، قرائنی وجود دارند که این تطبیق را مورد تأکید قرار می‌دهند: (الف) نهی صورت گرفته از «إلقاء سم»، مقید به «بلاد المشرکین» است. ساکنان بلاد، اعم از مرد، زن، اطفال، سالخورده و بیمار هستند که تحت تأثیر «سم» قرار می‌گیرند؛ همان‌طور که آلودگی‌های هوایی نیز از خصوصیت فراگیری برخوردارند و افراد مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (ب) بعید نیست که «إلقاء سم» در بلاد، سبب از بین رفتن حیوانات و تخریب طبیعت (آب، خاک، هوا) باشد؛ همان‌طور که آلودگی‌های هوایی نیز چنین اثراتی دارند. (ج) «إلقاء سم» در بلاد، کشتار بدون مواجهه و اطلاع قبلی طرف مقابل یا ایجاد بیماری در اوست؛ از این‌رو دست‌کم در برخی موارد، خلاف جوانمردی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام در جهاد است. (بهجتی اردکانی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۵)

امروزه، شاهد وجود هر سه ویژگی پیش‌گفته در کاربرد سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای هستیم. اما این سه ویژگی در آلودگی‌های شدید هوایی نیز وجود دارند.

حکم تکلیفی إلقاء سم (حرمت)

در حدیث مورد بحث، نهی از «إلقاء سم» از قول نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکایت شده است. این حکایت اعم از این است که حضرت، ماده نهی و یا صیغه نهی را استعمال کرده باشند. هر کدام که بوده باشد در استفاده ما از آن تأثیری نخواهد داشت و به هر حال چنانکه گذشت، حرمت تکلیفی «إلقاء سم» از آن برداشت می‌شود. دلیل این است که اولاً: ماده نهی، حقیقت در خصوص طلب است و عند الاطلاق در طلب الزامی (تحریمی) ظهور دارد؛ به طوری که اطلاق آن بر کراهت قرینه می‌خواهد. ثانیاً: صیغه نهی، بر مسلک مشهور و آخوند خراسانی (ره) به معنای طلب ترک است و مطلوب مولا در این باب، عدم و ترک متعلق است. بنابراین از حدیث فهمیده می‌شود که شارع از مکلف می‌خواهد

«إلقاء سم» نکند؛ بنابراین نهی وارد شده در روایت، ظهور در تحریم دارد و مخالف آن مستحق عقوبت است.

در روایت، نهی از «إلقاء سم» به «بلاد مشرکین» مقید شده است. «قیاس اولویت» در اینجا مقتضی این است که «إلقاء سم» در بلاد مسلمین نیز مورد نهی است. از آنجاکه روایت ناظر به مقام قتال و جهاد است، «قیاس اولویت» دیگری مقتضی این است که «إلقاء سم» در بلاد مشرکین، در غیر جهاد نیز قطعاً «منهی عنه» باشد؛ چه رسد به بلاد مسلمین؛ بنابراین «إلقاء سم» در بلاد مسلمین و در غیر جهاد، با دو اولویت «منهی عنه» است.

فتاوی فقها در حرمت و ضمان آلودگی هوا

از مقام معظم رهبری سؤال شده که برخی کارخانه‌ها به بهانه گران بودن فیلترهای تصفیه‌کننده هوا از استفاده از آن در دودکش‌ها پرهیز می‌کنند و موجب آلودگی هوا و آزار دیگران می‌شوند؛ حکم این مسئله چیست؟ مقام معظم رهبری پاسخ دادند که فیلتر یکی از لوازم احداث کارخانه است و اگر بر طبق قانون نصب آن الزامی باشد، تخلف از آن جایز نیست و حتی اگر در قانون هم ذکر نشده باشد و کارخانه‌ای هوا را آلوده کند و این آلودگی سبب ناراحتی و مشقت مردم شود و یا موجب ناراحتی آنها نشود، اما این آلودگی هوا زیان قابل توجهی به آنها برساند خلاف شرع است.^۱ (خلاف شرع همان فعل حرام و گناه است.)

آیت الله شبیری زنجان‌ی نیز مطرح کرده‌اند که اگر اخلال در محیط زیست موجب سلب آرامش و آسایش دیگران و موجب ضرر رساندن به مردم ولو آیندگان شود این کار از لحاظ شرعی حرام و زیر پانهادن حق الناس است. (zanjani.ir)

همچنین آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب استفتائات محیط زیست فرموده‌اند: اگر شخصی به واسطه آلودگی‌های هوا دچار بیماری یا مرگ شود در صورت اثبات اینکه

۱. متن سؤال از آیت الله خامنه‌ای و پاسخ ایشان سابقاً در سامانه اینترنتی دفتر معظم له موجود بود؛ اما اخیراً حذف شده است؛ اما همچنان در سامانه سازمان محیط زیست در دسترس است:

<https://www.doe.ir/portal/home/?441711>

این بیماری و فوت به دلیل آلودگی هوای خاص بوده، منشأ آلودگی و مسئولان یا متصدی واحد آلاینده کار حرامی مرتکب شده و ضامن است و باید خسارات وارد شده به شخص آسیب‌دیده را بپردازد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۴، س ۱۹۶)

در دیدگاه مقام معظم رهبری، آلودگی هوا که موجب ناراحتی و مشقت مردم بشود نیز حرام شمرده شده است؛ یعنی حتی در صورتی که آلودگی هوا موجب خسارت نشود نیز متصف به حرمت می‌شود. مستند چنین فتوایی، می‌تواند حرمت ایذاء باشد که از پشتوانه قرآنی و روایی برخوردار است. بیان دیگری از چنین نظر فقهی، در فتوای آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی نیز انعکاس یافته است و واژه «حق الناس» در بیان ایشان، بر اهمیت جلوگیری از آلودگی هوا افزوده است. از آنجاکه ضایع کردن حق الناس مستلزم جبران است، فتوای استاد شبیری زنجانی، به نحوی به لزوم جبران خسارت نیز اشاره دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در فتوای مذکور که در واقع، پاسخ به پرسش مقلدان بوده، در صدد بیان حکم خسارت ناشی از آلودگی هوا نبوده‌اند و اگر پرسش‌کننده درباره خسارات ناشی از آلودگی هوا سؤال می‌کرد، قطعاً به بحث ضمان و لزوم جبران خسارات نیز اشاره می‌کردند؛ زیرا از حیث فقهی، تردیدی در این مسئله وجود ندارد؛ چنان‌که مرحوم صافی گلپایگانی وقتی به بیماری و مرگ ناشی از آلودگی هوا اشاره نموده است، عامل آن را مرتکب حرام و همچنین ضامن برشمرده است.

حکم وضعی إلقاء سم (ضمان)

وقتی حدیث ناهمی از «إلقاء سم» را در کنار سایر ادله مسلم لحاظ کنیم، به یک دلالت عرفیه دست می‌یابیم. در اینجا بیان سه مقدمه لازم است: ۱- «إلقاء سم» موجب اتلاف، ضرر و خسارات زیاد به بی‌گناهان، غیرنظامیان و اموال مردم می‌شود. ۲- بی‌تردید شارع، به این صدمات، رضایت ندارد. ۳- ادله ضمان یعنی قواعد اتلاف و لاضرر، مقتضی ضمان در این قبیل صدمات هستند. در دلالت قاعده اتلاف بر ضمان، شک و اختلافی میان آراء فقها نیست؛ اما دلالت قاعده لاضرر بر ضمان، توسط برخی فقها به طور مستدل پذیرفته شده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۸۶-۸۷) دلالت عرفیه در اینجا چنین است:

با توجه به صدمات برآمده از «إلقاء سم»، ادله عامه ضمان قرینه هستند بر اینکه نهی شارع از «إلقاء سم»، نوعی بیان موضوع برای قواعد و ادله عمومی ضمان است. از وجود قرینه مذکور فهمیده می‌شود که منظور شارع از «نهی از إلقاء سم»، چیزی بیش از بیان حرمت تکلیفی «إلقاء سم» بوده و شامل ضمان هم می‌شود؛ بنابراین، حرمت إلقاء سم مقتضی حرمت طیفی از آلودگی‌های هوایی است که غلظت‌هایی از آن سبب بیماری و شدید شدن آنها سبب مرگ می‌شود.

اجتماع اسباب متعدد در تحقق ضمان
شش نکته مقدماتی:

(۱) اینکه انسان سبب تلف باشد، مستلزم وجود مباشر انسانی نیست؛ و وقتی انسانی مباشر تلف باشد، مستلزم وجود سبب انسانی نیست. بحث در جایی است که مباشر انسانی وجود ندارد و اسباب انسانی متعدّدند.

(۲) اگر برخی اسباب، عدوانی و برخی غیر عدوانی باشند، اسباب غیر عدوانی ضامن نیستند. (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ همو، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۸۱-۳۸۲) پس اگر از بین اسباب، یک سبب متعدّد باشد، فقط او ضامن است.

(۳) اگر چند نفر در اتلاف دخیل باشند، سه صورت دارد:

اول: همه افراد دخیل در اتلاف، مباشر باشند.

دوم: همه افراد دخیل در اتلاف، سبب باشند.

سوم: برخی از افراد دخیل در اتلاف، سبب، و برخی دیگر، مباشر باشند.

(۴) صورت اول نیاز به بحث ندارد چون

اولاً: «اتلاف» را به‌عنوان موجب ضمان می‌شماریم و ضمان مباشر اتلاف را با دو دلیل قاعده اتلاف و بنای عقلا می‌پذیریم. (بهجتی اردکانی، ۱۳۹۹، ص ۹۶)

ثانیاً: به تبع ضمان مباشر واحد، ضمان مباشرین متعدّد، پذیرفتنی است.

(۵) محور بحث، صورت دوم است. مثالی که فقها برای اجتماع اسباب ذکر کرده‌اند این است: شخصی چاهی حفر می‌کند و شخص دیگری سنگی کنار دهانه چاه قرار می‌دهد.

پای شخص ثالث به سنگ گیر می‌کند و به واسطه آن درون چاه سقوط کرده و آسیب می‌بیند یا می‌میرد. فقها در اینجا درباره ضامن اقوالی دارند.

۶) مصادیق «اجتماع اسباب» در اینجا، واجد این قید هستند: «اسباب، ترتب طولی یا تعاقب زمانی دارند»؛ چنانکه در مثال یادشده، حفر چاه و گذاردن سنگ کنار دهانه چاه، متعاقباً انجام شده‌اند. اهمیت این قید از اینجا روشن می‌شود که اگر اسباب، بدون ترتب یا تعاقب و در عرض یکدیگر باشند، مجموعاً مثل یک سبب هستند؛ و از این رو اختلاف و تردیدی نیست که بر اساس قاعده تسبیب، همگی ضامن هستند. مثلاً اگر عده‌ای بدون مجوز شرعی، یک چاه را در جاده عمومی حفر کنند و رهگذری به خاطر سقوط در آن آسیب ببیند، همگی ضامنند.

۷) بیشتر موارد ضمان‌آور در آلودگی هوا از سنخ اجتماع اسباب هستند نه اجتماع سبب و مباشر.

اقوال در ضمان اسباب متعدد

قول اول: ضمان سبب مقدم در تأثیر

این قول را محقق در شرایع (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۰-۲۴۱)، علامه در قواعد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۵۸)، شهید اول در لمعه (عاملی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۸) شهید ثانی در مسالک (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۱۶۴) و روضه (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۶۶-۱۶۷) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۶۴) پذیرفته‌اند.

شهید ثانی در مسالک (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۸۱) و صاحب مفتاح الکرامه (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۱۹) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۴۷) این قول را «أشهر» شمرده‌اند؛ چنانکه مرحوم محقق خویی نیز متذکر شده است. (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۶۰) بر اساس این قول و مثال مذکور، تأثیر سنگ در جنایت، مقدم بر تأثیر چاه در جنایت بوده است؛ بنابراین، منحصرأ کسی که سنگ را کنار چاه نهاده ضامن است؛ گرچه حدوث سنگ در آن محل، متأخر از حدوث چاه بوده باشد.

دلیل قول اول (ضمان سبب مقدم در تأثیر)**دلیل اول: استصحاب**

تأثیرگذاری سبب اول بر اتلاف روشن است؛ بنابراین، ضمان ناشی از سبب اول محقق می‌شود. با رخ دادن سبب دوم شک می‌کنیم که آیا ضمان باقی است یا به‌خاطر رخداد سبب دوم، ضمان جدیدی آمده و ضمان سابق معدوم شده است. جریان استصحاب، بقاء ضمان اول را ثابت می‌کند. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۸۱-۳۸۲)

اگر گفته شود: ضمان سبب اول منافاتی با ضمان سبب دوم ندارد؛ پس باید قائل به ضمان جمیع اسباب شویم، صاحب جواهر جواب می‌دهد: با سنجش دو سبب نسبت به یکدیگر در می‌یابیم که سبب اول به منزله مباشر است و سبب دوم به منزله شرط عمل مباشر. در مثال، قرار دهنده سنگ به منزله کسی است که عابر را به داخل چنین چاهی افکنده است. یعنی به منزله مباشر است و سبب دیگر که حفر چاه است، به منزله شرط تحقق جنایت است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۴۶)

بررسی دلیل اول

اگر بروز اتلاف از سبب اول حتمی باشد، به تبع آن ضمان هم می‌آید و در صورت شک می‌توان وجود ضمان را استصحاب کرد. اما در بحث ما، اتلاف، اثر هر دو سبب است و چه بسا که سبب اول به تنهایی اتلافی و ضمانی را به دنبال نداشته باشد؛ بنابراین، نمی‌توان مجالی برای جریان استصحاب قائل شد.

دلیل دوم: ترجیح سبب اول نسبت به سبب دوم

اگر هر دو سبب، هم‌زمان رخ داده باشند، هر دو ضامن‌اند چراکه دلیلی برای ترجیح یکی بر دیگری نیست؛ اما وقتی سبب‌ها با تقدم و تأخر واقع شده باشند، سبب مقدم از دو جهت بر سبب بعدی ترجیح دارد: (۱) ضمان در ابتدا برای سبب اول ثابت شده است. (۲) سبب اول، سبب سبب نیز هست و از این رو مسبب (جنایت)، مستند به اوست. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۱۶۴؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۸۲)

بررسی دلیل دوم

اگر بروز اتلاف با انفراد سبب اول قطعی بود، می شد ادعا کرد که ضمان در ابتدا برای سبب اول ثابت شده است؛ اما چه بسا که سبب اول به تنهایی موجب اتلاف نشود. نیز اتلاف، مستند به هر دو سبب است نه اینکه مستند به سبب اول باشد؛ بنابراین، با اینکه سبب‌ها از حیث زمانی و از حیث تأثیرگذاری، تقدم و تأخر دارند، اما از حیث انتساب اتلاف به سبب‌ها، تقدم و تأخری وجود ندارد. نتیجه اینکه نمی توان گفت: ضمان در ابتدا برای سبب اول ثابت شده است.

اتلافی که رخ داده است، ناشی از دو فعل از دو فاعل است. عرف، اتلاف را به هر دو فاعل نسبت می دهد. حال، از سبب اول به «سبب سبب» تعبیر کنیم، تأثیری در انتساب اتلاف به هر دو فاعل ندارد. با توجه به اینکه ضمان، مترتب بر اتلاف است، و هر دو سبب متلف محسوب می شوند، هر دو سبب را ضامن می شماریم.

دلیل سوم: سبب مقدم در تأثیر، به منزله مباشر

بی تردید، در اجتماع مباشر با سبب یا شرط، مباشر ضامن است. سبب مقدم در تأثیر، به منزله مباشر است؛ پس سبب مقدم در تأثیر، ضامن است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۶)

بررسی دلیل سوم

وقتی شخصی عدواناً و به هدف جنایت چاهی حفر می کند و شخص دیگری نیز عدواناً و به همان هدف سنگی نزدیک چاه می نهد، پس از رخداد جنایت، عرف، هر دو را سبب جنایت می شمارد؛ نه اینکه سبب مقدم در تأثیر را به منزله مباشر تلقی کند و شخص دیگر را بریء الذمه بشمارد.

قول دوم: ضمان همه اسباب

محقق حلی که قول اول را پذیرفته، قول دوم را به عنوان احتمال پذیرفته و می فرماید: چه بسا به نظر برسد که هر دو سبب، ضامن باشند. (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۱) صاحب جواهر نیز با اینکه قول اول را پذیرفته، در تقویت این احتمال (ضمان همه اسباب)

می‌فرماید: فرض این است که همه اسباب، متعدی هستند و دلیلی برای ترجیح سبب متقدم [حدوثاً] یا سبب اقوی وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۷) مرحوم خوئی (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۶۰) به قول دوم فتوا داده و امام خمینی (ره) با وجود فتوا به ضمان سبب متقدم، قول دوم را به عنوان احتمال قوی ذکر کرده است. (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۳) برخی از معاصرین به قول دوم فتوا داده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰۸؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷۵)

دلیل قول دوم (ضمان همه اسباب): انتساب تلف به همه اسباب

محقق حلی می‌فرماید: «چه‌بسا به نظر رسد که هر دو سبب ضامن باشند، زیرا تلف، منحصرراً ناشی از یکی از آن‌ها نبوده است» (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۱). صاحب جواهر، کلام محقق را تأیید می‌کند: «و فرض این است که هر دو سبب متعدی هستند و دلیلی برای ترجیح سبب مقدم وجود ندارد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۷). مرحوم خوئی پس از رد استصحاب که عمده دلیل قول اول بود، با پذیرش انتساب جنایت به هر دو سبب، به ضمان همه اسباب فتوا داده: «اثر (اتلاف) مستند به هر دو سبب می‌باشد؛ پس نتیجه این می‌شود که انتساب ضمان به هر دو سبب به اندازه مساوی است. بنابراین، دلیلی برای ترجیح سبب سابق جنایت، بر سبب لاحق آن وجود ندارد» (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۶۰)

قول سوم: ضمان سبب مقدم در وجود

گفته شده سببی که از حیث حدوث، اول است، ضامن است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۶۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۹). بنابراین، اگر حفر چاه مقدم بوده، حفر کننده ضامن است و اگر گذاشتن سنگ مقدم بوده، گذارنده آن ضامن است.

دلیل قول سوم (ضمان سبب مقدم در وجود): دلیل ضمان اصل سبب

همان دلیلی که ضمان را برای اصل سبب ثابت می‌کند، ضمان اولین سبب را ثابت می‌کند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۶۱) این، تنها دلیل مذکور برای این قول است و مرحوم بجنوردی مدعی دیگر این قول، دلیل متقنی بیان نکرده است. (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۹)

بررسی قول سوم

دو دلیل ممکن است برای ضمان اصل سبب آورده شود: (۱) روایات (۲) اجماع. (ر.ک: بهجتی اردکانی، ۱۳۹۹، ص ۹۹-۱۰۹) اگر اجماع، دلیل باشد، بر قدر متیقن از معقد آن اکتفا می‌شود که حفر چاه در ملک غیر است؛ و در سایر مصادیق نمی‌توان به اجماع استناد داد؛ البته احتمال مدرکی بودن اجماع و بالتبع عدم حجیت آن هست.

اگر دلیل، روایات باشد، می‌توان ضمان را بر «سببیت در اتلاف» مترتب کرد؛ اما از آنجاکه گاهی سبب در کنار سبب دیگر است، برای تمیز سبب ضامن از سبب غیر ضامن، به عرف مراجعه می‌شود و عرف، به ضمان اولین سبب حکم نمی‌کند. با توجه به آنچه بیان شد، قول به ضمان همه اسباب، مرجح است و از این رو، همه اسباب دخیل در آلودگی هوا ضامن شمرده می‌شوند.^۱

جرمانگاری و ضمان آلودگی هوا در قانون

الف. جرم‌انگاری آلودگی هوا در قانون

حرمت آلودگی هوا، زمینه جرم‌انگاری آن را فراهم آورده و در ماده دوم قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» مصوب ۱۳۷۴ آمده است: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است» در ماده ۲۹ آن آمده: «صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده که برخلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت

۱. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در اینجا می‌گوید: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.

تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند.»

جزای در نظر گرفته شده برای آلاینده‌گی هوا متناسب با جرم و هماهنگ با شرایط امروزی نیست و نیاز به بروز رسانی دارد.^۱

ب. ضمان آلاینده‌گی هوا در قانون

درباره ضمان ناشی از آلودگی هوا باید به تبصره ۲ از ماده ۱۱ قانون هوای پاک و به ماده ۱۲ این قانون مراجعه نمود.

در ماده ۱۱ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ آمده: «هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی مستلزم رعایت مقررات ابلاغی از سوی سازمان^۲ می‌باشد. سازمان موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه به استعلام‌های درخواست جواز تأسیس و بهره‌برداری پاسخ دهد و در صورت عدم موافقت آن سازمان، دلایل آن را به استعلام کننده به صورت کتبی ارائه کند. عدم پاسخ در مدت یاد شده به منزله تایید می‌باشد.»

در تبصره ۲ از این ماده آمده است: «متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون در صورت بررسی در کمیسیون ضمن پرداخت جریمه رفع آلاینده‌گی مکلف به جبران خسارات وارده هستند.»

در این تبصره، با اینکه جبران خسارت آلودگی هوا مطرح شده اما این تبصره فقط ناظر به احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی است و شامل سایر عوامل آلاینده نمی‌شود؛ درحالی‌که مقتضای تحقیق حاضر این است که تمام اسباب آلاینده، ضامن باشند.

۱. پس از تصویب قانون هوای پاک، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا نسخ شده و جرم انگاری باید در قانون هوای پاک لحاظ شود.

۲. منظور از سازمان در قانون هوای پاک، سازمان حفاظت محیط زیست است.

بر اساس ماده دوازدهم^۱ از قانون هوای پاک، در طی مدت تعیین تکلیف واحدهای آلاینده، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد؛ اما این ماده، اشاره‌ای به ضمان ندارد؛ درحالی‌که مقتضای تحقیق این است که عوامل آلاینده‌ای که در طی مدت تعیین تکلیف، آلودگی زیان‌آور داشته‌اند، باید ملزم به جبران خسارات شوند. البته پرداخت جریمه، جایگزین ضمان نمی‌شود؛ زیرا هدف از ضمان، جبران خصوص صدمات وارد شده است؛ اما مال به‌دست‌آمده از طریق جریمه، برای جبران خسارات استفاده نمی‌شود.

سه چالش حقوقی در پیاده‌شدن ضمان آلودگی هوا

۱. احراز رابطه استناد

اولین چالش، این است که ثابت شود خسارت مالی یا جانی به بار آمده، ناشی از آلودگی هوا است. این چالش عملاً حل شده است؛ زیرا کارشناسان و خبرگان در رشته‌های فنی - مهندسی و پزشکی قادر به پاسخگویی به این سؤال هستند که آیا خسارت ایجاد شده ناشی از آلودگی هوا است یا نه؟

۲. کشف منشأ آلودگی به صورت دقیق

چالش دوم این است که باید منشأ آلودگی به‌صورت دقیق مشخص شود؛ به‌عبارت‌دیگر باید عامل یا عوامل آلاینده‌ای که موجب زیان شده، مشخص شود. تشخیص عامل آلاینده در جایی که تنها یک منشأ برای آلودگی وجود داشته باشد، کار ساده‌ای است؛ اما زمانی که چند عامل وجود داشته باشد و احتمال دهیم که برخی عوامل نقشی در خسارت‌زایی

۱. «سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تأثیر و حساسیت منطقه به مالکان یا مسئولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم‌گیر واحد ابلاغ کند تا در مهلت معینی که توسط سازمان تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار و فعالیت خود (بر اساس نوع آلودگی و ماهیت فرآیند کنترلی) اقدام نمایند. در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد.»

نداشته‌اند، نیاز به کار کارشناسی است تا دخالت یا عدم دخالت هر یک از عوامل مشخص شود. در صورتی که دخالت برخی از عوامل در خسارت‌زایی ثابت نشود، نمی‌توان آنها را ضامن شمرد.

۳. متحرک بودن برخی افراد زیان‌دیده

چالش سوم، مبتنی بر این است که انسان، فاعلی مختار و دارای حرکت است. حرکت انتقالی انسان از منطقه‌ای با هوای آلوده به منطقه‌ای دیگر سبب می‌شود که او پیوسته در معرض یک یا چند عامل آلاینده خاص و شناخته شده نباشد. اگر شخص زیان‌دیده یا فوت شده، از چنین تحرکی برخوردار بوده باشد، دو چالش پیشین را پشت سر گذاشته، اما دچار چالش سوم شده است؛ زیرا احتمال می‌رود در یکی از این حرکات‌های انتقالی به مناطق دیگر، تحت‌تأثیر عوامل آلاینده و نامشخصی قرار گرفته باشد؛ بنابراین، چالش سوم بیشتر ناظر به اشخاص (نه اموال) است و البته شامل افراد ثابت در یک منطقه خاص نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

با استناد به فتاوی فقهای معاصر از جمله حضرات آیات عظام سید علی خامنه‌ای، سید موسی شبیری زنجانی و مرحوم لطف‌الله صافی گلپایگانی، آلاینده‌گی هوا که منجر به ناراحتی و مشقت یا ضرر قابل توجه یا اخلال در محیط‌زیست شود، از لحاظ شرعی حرام است؛ همان‌طور که قاعده فقهی لاضرر (لاضرر و لا ضرار فی الاسلام) و آیه ۲۰۵ سوره بقره (و إذا تولى سعى فى الأرض ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل و الله لا يحب الفساد) بر این ممنوعیت شرعی دلالت دارند. از این آیه حرمت آلاینده‌گی هوا که منجر به خسارت به حرث (گیاهان و کشاورزی) و نسل (انسان و حیوانات) باشد استفاده می‌شود. همچنین باید دانست که بر اساس یک حدیث صحیح نبوی، «إلقاء سم» در محل سکونت انسان‌ها حرام است؛ با توجه به اینکه «إلقاء سم» بر آلودگی‌های هوایی با وصف کشندگی و بیماری‌زایی تطبیق می‌کند؛ از این رو می‌توان گفت: ایجاد اقسامی از آلودگی‌های هوایی که نظیر «سم» عمل می‌کند، مورد نهی شارع و حرام است.

نتیجه دیگر این است که تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی، در قبال آلوده کردن هوا، قابلیت ضامن بودن را دارا هستند؛ و ضمان آنها در صورتی فعلیت می‌یابد که خسارات آلودگی هوا عرفاً به آنها منتسب باشد. اساساً ادله عمومی ضمان، قرینه هستند بر اینکه نهی شارع از خسارت به حرث و نسل و نیز نهی شارع از القاء سم و همچنین نهی شارع از ضرر، نوعی بیان موضوع برای قواعد عامه ضمان است. به عبارت دیگر، از وجود این قرینه پی می‌بریم که مراد شارع از نهی از آلودگی هوا و ممنوعیت آن، چیزی بیش از بیان حرمت تکلیفی «آلوده کردن هوا» بوده و شامل ضمان هم می‌شود.

با توجه به اینکه ضمان، مترتب بر ضرر یا خسارت است، ملاک تشخیص ضامن یا ضامنین، استناد خسارت یا ضرر به سبب یا اسباب است. از طرفی، مرجع تشخیص استناد به سبب، عرف (دقیق و کارشناسی) است. تعاقب زمانی سبب‌ها یا هم‌زمانی آنها، در استناد عرفی مذکور دخیل نیست؛ چنان‌که تقدم و تأخر سبب‌ها یا هم‌زمانی آنها از حیث تأثیرگذاری، در استناد عرفی مذکور دخالت ندارد؛ و نیز دلیلی بر دخالت دادن آنها وجود ندارد.

توصیه سیاستی

۱. با توجه به حرمت فقهی آلودگی هوا، جرم انگاری آن در قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» مصوب ۱۳۷۴، مطابق شرع است. با توجه به نسخ شدن آن قانون، شایسته است که جرم انگاری در قانون هوای پاک نیز لحاظ شود. همچنین، جزای نقدی آلودگی هوا در قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» نیاز به بروز رسانی و متناسب سازی در قانون هوای پاک دارد.

۲. لزوم جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا در قانون هوای پاک، تنها در تبصره ۲ ماده ۱۱ مطرح شده و کامل نیست زیرا فقط در مورد احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی است؛ یعنی شامل سایر عوامل آلاینده نشده است؛ لذا توصیه می‌شود که لزوم جبران خسارات، از طریق یک ماده یا تبصره جدید، شامل تمامی عوامل آلاینده‌ی هوا بشود.

۳. در ماده ۱۲ قانون هوای پاک، در طی مدت تعیین تکلیف واحدهای آلاینده، تنها جریمه‌ی ایجاد و انتشار آلودگی آمده است و اشاره‌ای به ضمان نشده است؛ لذا توصیه می‌گردد که لزوم جبران خسارات در محدوده زمانی تعیین تکلیف واحدهای آلاینده، به قانون اضافه گردد.

۴. در برخی موارد، قاضی یا حقوقدان با چالش‌هایی از قبیل «احراز رابطه استناد خسارت به عامل آلاینده»، «کشف منشأ آلاینده‌گی به صورت دقیق» و «متحرک بودن شخص زیان-دیده و خروجش از منطقه آلوده» مواجه می‌شود. در این صورت نمی‌توان به ضامن بودن عوامل آلاینده حکم کرد. در این صورت می‌توان خسارات وارده را از محل وضع جریمه-های آلاینده‌گی هوا تأمین کرد.

۵. با توجه به احترام بالای جان و مال مردم در اندیشه و فقه اسلامی، جریمه آلاینده‌گی هوا باید بسیار سنگین باشد تا هم حالت بازدارندگی داشته باشد و هم برای جبران خسارت‌ها کفاف دهد. بنابراین ماهیت جریمه آلاینده‌گی هوا باید از حالت پرداخت عوارضی ناچیز خارج شود. (پرداخت عوارض یا جریمه‌های ناچیز عملاً سبب شده تا عوامل آلاینده با پرداخت آن به آلاینده‌گی ادامه دهند)

۶. با توجه به اینکه عدم جبران خسارات آلودگی هوا، مساوی با ضایع شدن جان و مال مردم (حق الناس) است، قانونگذار (به تبع شارع) نباید جبران خسارات را نادیده بگیرد. از این رو تأکید می‌گردد که اموال حاصل از پرداخت جریمه آلاینده‌گی هوا، در خصوص زیان‌دیدگان و جبران زیان‌های مالی و جانی (پرداخت دیه) آنان هزینه شود و در صورتی که افزون بر مبالغ جبران خسارات باشد، صرف اقداماتی همچون درختکاری برای تولید هوای پاک در مناطق آلوده شود.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۶ق). *جامع المسائل*. چاپ دوم، قم: دفتر آیت الله بهجت.
۳. بهجتی اردکانی، سلمان (۱۳۹۹ ش). *ضمان آلودگی هوا از منظر فقه امامیه*. چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴. تبریزی، جواد (۱۴۲۶ق). *منهاج الصالحین*. چاپ اول، قم: مجمع الإمام المهدی.
۵. حلبی، حمزة ابن زهره (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*. چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق). *متهی المطلب فی تحقیق المذهب*. چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق). *تذکرة الفقهاء*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*. چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. حلّی، محقق جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. حلّی، محمد ابن ادریس (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*. چاپ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمية.

۱۳. خمینی، سید روح الله (بی تا). *تحریر الوسيلة*. چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*. چاپ دوم، قم: نشر مدینه العلم.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مبانی تکملة المنهاج*. چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ ش). *لغت نامه*. چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول، دمشق: الدار الشامیة.
۱۸. ساعد، نادر (۱۳۸۷ش). *حقوق بشردوستانه و سلاح های هسته ای*. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۹. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین*. چاپ پنجم، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۹۹ش)، *استفتائات محیط زیست*، تهران: انتشارات منیر.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۵ق). *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*. چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی أصول الفقه*. چاپ اول، قم: بی نا.
۲۵. عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق). *مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة*. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. عاملی، شهید اول محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). *اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة*. چاپ اول، بیروت: دار التراث الإسلامیة.

۲۷. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. با حاشیه کلاتر. چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۲۸. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. چاپ اول، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۲۹. عبد اللهی، محسن (۱۴۰۰ش). *کتابچه قضای حقوقي محیط زیست*. چاپ سوم، تهران: نشر خرسندی.
۳۰. عراقی، آقا ضیاء الدین (۱۴۱۴ق). *شرح تبصرة المتعلمین*. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. عرفان منش، مجید (۱۳۹۰ش). *آلودگی محیط زیست: آب، خاک و هوا*. چاپ هشتم، تهران: ارکان دانش.
۳۲. عمید، حسن (۱۳۸۲ش). *فرهنگ فارسی*. چاپ بیست و ششم، تهران: چاپخانه سپهر.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). *القواعد الفقهیة*. چاپ اول، قم: چاپخانه مهر.
۳۴. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *كشف اللثام عن قواعد الأحكام*. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۳۶. کرکی، علی بن حسین محقق ثانی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البیت.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۸. کیدری، قطب الدین محمد (۱۴۱۶ق). *اصباح الشیعة بمصباح الشریعة*. چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۳۹. معین، محمد (۱۳۸۱ش). *فرهنگ فارسی*. چاپ اول، تهران: نشر ندا.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). *القواعد الفقهیة*. چاپ سوم، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
۴۱. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

References

The Noble Qur'ān

1. Abdollahi, Mohsen (2021). Judicial Handbook of Environmental Law, 3rd edition. Tehran: Khorsandi Publications. (In Persian).
2. Amid, Hasan (2003). Persian Dictionary, 26th edition. Tehran: Sepehr Printing House. (In Arabic).
3. Amili, Sayyid Jawad (1998). Miftah al-Karama fi Sharh Qawa'id al-'Allama [The Key of Dignity in Explaining the Rules of the Scholar], 1st edition. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic).
4. Amili, Shahid Awwal Muhammad ibn Makki (1989). Al-Lum'at al-Dimashqiyya fi Fiqh al-Imamiyya [The Damascene Glimmer in Imami Jurisprudence], 1st edition. Beirut: Dar al-Turath al-Islami. (In Arabic).
5. Amili, Shahid Thani Zayn al-Din ibn Ali (1989). Al-Rawdat al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'at al-Dimashqiyya [The Radiant Garden in Explaining the Damascene Glimmer], with Kalantar's marginal notes, 1st edition. Qom: Davari Bookstore. (In Arabic).
6. Amili, Shahid Thani Zayn al-Din ibn Ali (1992). Masalik al-Afham ila Tanqih Sharai' al-Islam [Paths of Understanding to Refine Islamic Laws], 1st edition. Qom: Islamic Teachings Institute. (In Arabic).
7. Behjat Fumani, Muhammad Taqi (2005). Jami' al-Masa'il [Comprehensive Rulings], 2nd edition. Qom: Ayatollah Behjat Office. (In Arabic).
8. Behjati Ardakani, Salman (2020). Legal Responsibility for Air Pollution from the Perspective of Imami Jurisprudence, 1st edition. Qom: Aemmeh Athar Jurisprudential Center. (In Persian).
9. Dehkhoda, Ali Akbar (1994). Lughatnameh [Dictionary], 1st edition. Tehran: University of Tehran Press.
10. Erfan Manesh, Majid (2011). Environmental Pollution: Water, Soil and Air, 8th edition. Tehran: Arkan-e Danesh. (In Persian).
11. Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1989). Kitab al-'Ayn [The Book of 'Ayn], 2nd edition. Qom: Hijrat Publications. (In Arabic).
12. Fazel Hindi, Muhammad ibn Hasan (1995). Kashf al-Litham 'an Qawa'id al-Ahkam [Removing the Veil from the Rules of Rulings], 1st edition. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic).
13. Fazel Lankarani, Muhammad (1995). Al-Qawa'id al-Fiqhiyya [Jurisprudential Rules], 1st edition. Qom: Mehr Printing House. (In Arabic).

14. Halabi, Hamzah ibn Zuhrah (1996). Ghunyat al-Nuzu' ila 'Ilmay al-Usul wa al-Furu' [The Sufficiency of Desire in the Two Sciences of Principles and Branches], 1st edition. Qom: Imam Sadiq Institute. (In Arabic).
15. Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar al-Asadi (1991). Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Madhab [The Ultimate Goal in Investigating the School], 1st edition. Mashhad: Islamic Research Assembly. (In Arabic).
16. Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar al-Asadi (1992). Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram [Rules of Rulings in Knowing the Permissible and Forbidden], 1st edition. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic).
17. Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar al-Asadi (1993). Tadhkirat al-Fuqaha' [Reminder for Jurists], 1st edition. Qom: Aal al-Bayt Institute. (In Arabic).
18. Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar al-Asadi (1999). Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyya 'ala Madhab al-Imamiyya [Recording Sharia Rulings According to the Imami School], 1st edition. Qom: Imam Sadiq Institute. (In Arabic).
19. Hilli, Muhammad ibn Idris (1989). Al-Sara'ir al-Hawi li Tahrir al-Fatawi [The Confidential Containing the Recording of Verdicts], 2nd edition. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic).
20. Hilli, Muhaqqiq Ja'far ibn Hasan (1987). Sharai' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram [Islamic Laws in Matters of Permissible and Forbidden], 2nd edition. Qom: Ismailiyan Institute. (In Arabic).
21. Hilli, Yahya ibn Sa'id (1984). Al-Jami' li al-Shara'i' [The Comprehensive of Laws], 1st edition. Qom: Sayyid al-Shuhada Scientific Institute. (In Arabic).
22. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1993). Lisan al-Arab [The Tongue of Arabs], 3rd edition. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic).
23. Iraqi, Aqa Zia al-Din (1993). Sharh Tabisirat al-Muta'allimin [Explanation of the Enlightenment for Students], 1st edition. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic).
24. Karaki, Ali ibn Husayn Muhaqqiq Thani (1993). Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id [The Comprehensive of Objectives in Explaining the Rules], Qom: Aal al-Bayt Institute. (In Arabic).
25. Khoei, Abu al-Qasim (1989). Minhaj al-Salihin [The Path of the Righteous], 2nd edition. Qom: Madinat al-'Ilm Publications. (In Arabic).
26. Khoei, Abu al-Qasim (2001). Mabani Takmilat al-Minhaj [Foundations for Completing the Path], 1st edition. Qom: Imam Khoei Heritage Revival Institute. (In Arabic).

27. Khomeini, Ruhollah (n.d.). Tahrir al-Wasila [The Exposition of the Means], 1st edition. Qom: Dar al-'Ilm Publications. (In Arabic).
28. Kidari, Qutb al-Din Muhammad (1995). Isbah al-Shi'a bi Misbah al-Shari'a [Illuminating the Shi'a with the Lamp of Sharia], 1st edition. Qom: Imam Sadiq Institute. (In Arabic).
29. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1986). Al-Kafi [The Sufficient], 2nd edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Arabic).
30. Makarem Shirazi, Naser (1990). Al-Qawa'id al-Fiqhiyya [Jurisprudential Rules], 3rd edition. Qom: Imam Amir al-Mu'minin School. (In Arabic).
31. Mo'in, Muhammad (2002). Persian Dictionary, 1st edition. Tehran: Neda Publications.
32. Najafi, Muhammad Hasan (1983). Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam [Jewels of Speech in Explaining Islamic Laws], 7th edition. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic).
33. Raghīb Isfahani, Husayn ibn Muhammad (1991). Mufradat Alfaz al-Quran [Vocabulary of Quranic Terms], 1st edition. Damascus: Al-Dar al-Shamiyya. (In Arabic).
34. Sa'id, Nadir (2008). Humanitarian Law and Nuclear Weapons, 1st edition. Tehran: Shahr-e Danesh Legal Studies and Research Institute. (In Persian).
35. Safi Golpayegani, Lutfollah (2020). Environmental Fatwas, Tehran: Munir Publications. (In Arabic).
36. Sistani, Ali (1996). Minhaj al-Salihin [The Path of the Righteous], 5th edition. Qom: (In Arabic). Ayatollah Sistani Office.
37. Tabrizi, Jawad (2005). Minhaj al-Salihin [The Path of the Righteous], 1st edition. Qom: Imam Mahdi Assembly. (In Arabic).
38. Tusi, Muhammad ibn Hasan (1955). Al-Iqtisad al-Hadi ila Tariq al-Rashad [The Guided Economy to the Path of Righteousness], 1st edition. Tehran: Chehel Sotoun Library Publications. (In Arabic).
39. Tusi, Muhammad ibn Hasan (1966). Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyya [The Expanded in Imami Jurisprudence], 3rd edition. Tehran: Al-Murtadawiyya Library. (In Arabic).
40. Tusi, Muhammad ibn Hasan (1986). Tahdhib al-Ahkam [The Refinement of Rulings], 4th edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Arabic).
41. Tusi, Muhammad ibn Hasan (1996). Al-'Udda fi Usul al-Fiqh [The Tool in Principles of Jurisprudence], 1st edition. Qom: n.p. (In Arabic).